



پائولا دانزیگر

فرمهر منجری

آمبر براون امتیاز بیش تری می خواهد

 ofoqco.com

 ofokidsandteens

 ofokidsandteens

* * * کارت‌های اعتباری آمبرینویی * * *



من، آمبربراون، مغزم خوب کار می‌کند اما هیچ پولی ندارم (همه‌ی پولم را برای خرید کتاب، یک بازی کامپیوتری و مقداری هله هوله خرج کردم)، برای همین هم به جای هدیه‌ی تولد، به مادرم پنج کارت اعتباری آمبرینویی می‌دهم.

مادر (سارا تامپسون) با کارت‌های اعتباری آمبرینویی می‌تواند از تنها فرزند دوست داشتنی‌اش (آمبربراون) بخواهد پنج آرزویش را برآورده کند... فقط یادت باشد آرزوهایی باشند که من واقعاً بتوانم آن‌ها را برآورده کنم... نه چیزهایی مثل جابه جا کردن برج امپایراستیت (یکی از برج‌های بلند

نیویورک) یا خوردن اسفناج یا پیدا کردن راهی برای ازبین بردن شوره‌ی سر (نه آن نوعی که تو داری یا چیزی شبیه این). فقط یادت باشد، من یک بچه‌ی ۱۰ ساله‌ام، پس آرزوهای عملی بکن... آرزوهایی که خودت همیشه می‌توانی برآورده‌شان کنی!!!!!!!

تولدت مبارک و دوست دارم

Amber Brown*



* * * * *



من، آمبر براون، را یک زنِ عصبانی اسیر کرده است.



این زنِ عصبانی مادرم است و واقعاً از دست من عصبانی است، چون معلم، خانم هالت، یادداشتی برایش فرستاده که توی آن نوشته من "با تمام توانم تلاش نمی‌کنم."
مادرم به خاطر این یادداشت خیلی خیلی از دستم عصبانی است. البته چیزی که او را این قدر عصبانی کرده است این است که... تکالیف مدرسه‌ام را آن طور که باید انجام نمی‌دهم.
حالا فکر می‌کنم باید یک دانش آموز کوچولوی عالی بشوم. او از یکی از کارت‌های اعتباری آمبرینوی استفاده کرد و مجبورم کرد اتاقم را تمیز کنم.